

A New Interpretation of the Variance in the Recitation of Verse 222 of Sura al-Baqara and Its Jurisprudential-Legal Implications for Women, with Emphasis on Imam Khomeini's Perspective

Ali Karshenas¹
Hamid Negaresh²

(Received on: 2023-05-03; Accepted on: 2024-11-08)

Abstract

The discussion on the variance in Quranic recitations dates back to the era of revelation. These differences play a significant role in the derivation of jurisprudential rulings and, consequently, in legal matters. Verse 222 of Sura al-Baqara has been the subject of considerable scholarly debate due to its two distinct recitations. This study, employing a descriptive-analytical method and drawing on library sources, seeks to answer the question: What is the jurisprudential-legal interpretation of Imam Khomeini regarding the variance in the recitation of Verse 222 and the rulings derived from it? The study finds that, based on authentic and reliable hadiths, as well as the principles of precaution (*iḥtiyāt*) and continuity (*istiṣḥāb*), the prohibition of marital intimacy after the cessation of menstrual blood but before ritual bath (*ghusl*) is established. Imam Khomeini asserts that a plausible reconciliation of the two recitations necessitates preferring the lighter (*takhfīf*) recitation over the intensified (*tashdīd*) one, in accordance with the principle of self-evidence (*bidāha*). To harmonize conflicting hadiths, he suggests that the ruling prohibiting intimacy before *ghusl* should be interpreted as dislikedness (*karāha*) rather than absolute prohibition, given its inconsistency with the apparent meaning of the verse and certain hadiths from the Imams. Additionally, the study highlights key legal implications derived from Verse 222, including the prohibition of divorce during menstruation and the invalidity of divorce dur-

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Imam Sadiq Research Institute, Qom, Iran
(corresponding author). Email: abdel@chmail.ir

2. Associate Professor, Islamic Sciences, Imam Sadiq Research Institute, Qom, Iran.
Email: hamid.negaresh@yahoo.com

ing a non-intimate *tuhr* (period of purity). The contribution of this research lies in its analysis of the two different recitations of Verse 222 with a focus on Imam Khomeini's perspective, as well as its argument in favor of the superiority of the lighter recitation based on the evidence of hadiths and plausible reconciliation of differing hadiths. Moreover, the study provides a detailed exposition of the legal rulings inferred from this verse, contributing to a deeper understanding of its jurisprudential significance.

Keywords: *i'tizāl* (keeping away), variance in Quranic recitations, lighter recitation, intensified recitation, Imam Khomeini.

خوانشی نو دربارهٔ اختلاف قرائت آیه ۲۲۲ سوره بقره و آثار فقهی - حقوقی آن برای زنان با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

علی کارشناس^۱

حمید نگارش^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸]

چکیده

پیشینه بحث دربارهٔ اختلاف قرائات به عصر نزول وحی باز می‌گردد. اختلاف قرائات، نقشی مهم در استنباط احکام فقهی و به تبع آن در مسائل حقوقی ایفا می‌کند. آیه ۲۲۲ سوره «بقره» به دلیل دو قرائت مختلف، معرکه آرای فقهی است. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای بدین پرسش پاسخ دهد که تحلیل فقهی - حقوقی دیدگاه امام خمینی (ره) دربارهٔ اختلاف قرائت آیه ۲۲۲ سوره «بقره» و احکام مستفاد از آن چیست؟ یافته مقاله آن است که بر اساس روایات صحیح و موثق و نیز اصاله الاحتیاط و اصل استصحاب، حرمت مباشرت با همسر پس از انقطاع خون حیض و پیش از غسل اثبات می‌گردد. امام خمینی (ره) معتقد است تأمل در آیه، جمع عقلایی میان این دو قرائت را اقتضا دارد که بر اساس اصل بدهات، قرائت تخفیف بر تضعیف (تشدید) برتری دارد. برای جمع میان دو طایفه روایات لازم است روایت عدم جواز مباشرت قبل از غسل به دلیل مغایرت با ظاهر آیه و برخی روایات صادر شده از معصومان (ع) بر کراهت حمل گردد. همچنین از جمله احکام حقوقی مستفاد از آیه ۲۲۲ سوره «بقره»، جایز نبودن طلاق در مدت عادت زنانگی و صحیح نبودن طلاق در ظهر

۱. استادیار علوم اسلامی، گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه امام صادق (ع)، قم، ایران (نویسندهٔ مسئول) abdel@chmail.ir

۲. دانشیار علوم اسلامی، پژوهشگاه امام صادق (ع)، قم، ایران hamid_negaresht@yahoo.com

غیرموقعه است. نوآوری مقاله، در تحلیل و بررسی دو قرائت مختلف درباره آیه ۲۲۲ سوره «بقره» با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) و نیز اثبات برتری قرائت تخفیف بر اساس ادله روایی و مبتنی بر جمع عقلایی میان دو طایفه مختلف از روایات است؛ همچنین تبیین احکام حقوقی مستفاد از آیه پیش گفته از دیگر نوآوری های مقاله است.

کلیدواژه‌ها: اعتزال، اختلاف قرائات، قرائت تخفیف، قرائت تشدید، امام خمینی (ره)

مقدمه

از جمله آیات مورد اختلاف قراء سبعه، آیه ۲۲۲ سوره مبارکه «بقره» است. قراء سبعه و به تبع آن فقیهان در اینکه مقصود از اعتزال و کناره‌گیری از زنان در این آیه چیست، اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر به دلیل دو نوع قرائت تخفیف و تضعیف (تشدید) دربارهٔ لفظ «یطهرن» در آیه است. بر اساس قرائت تخفیف، صرف انقطاع خون برای جواز مباشرت با همسر کافی است؛ ولی بر اساس قرائت تضعیف (تشدید)، افزون بر انقطاع خون، انجام غسل حیض نیز شرط جواز مباشرت است. مسئله اصلی این است که چون برخی مفسران قائل به حجیت همهٔ قرائات قراء سبعه هستند، در اینجا میان قرائت تخفیف و تشدید تعارض روی می‌دهد؛ از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی - اجتهادی همراه با نقد و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان و فقیهان قرآنی با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی (ره) در پی پاسخ به این مشکل است. دربارهٔ حل مسئله تحقیق، تلاش‌های گوناگونی از سوی فقیهان انجام گرفته است؛ از جمله شیخ انصاری در رسائل به تبیین وجه ترجیح یکی از این دو قرائت به اجمال اشاره کرده است. فقیهان متأخر همچون محقق خویی و امام خمینی نیز به حل مسئله اهتمام داشته‌اند؛ ولی در آثار و پژوهش‌های کنونی، هیچ‌یک به تحلیل فقهی روایات مسئله از دیدگاه امام خمینی (ره) و وجه ترجیح یک قرائت بر قرائت دیگر از منظر ایشان و نیز احکام حقوقی مستفاد از آیه شریفه نپرداخته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در تحلیل و بررسی دو قرائت مختلف دربارهٔ آیه ۲۲۲ سوره «بقره» با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) و نیز اثبات برتری قرائت تخفیف بر اساس ادله روایی و مبتنی بر جمع عقلایی میان دو طایفه مختلف از روایات است؛ همچنین تبیین احکام حقوقی مستفاد از آیه پیش‌گفته از دیگر نوآوری‌های مقاله است.

تبیین دو مفهوم مهم و کلیدی مقاله به شرح زیر است:

۱. اعتزال: مراد از اعتزال، خلوت‌گزینی، تنهایی و بامردم‌درنیا می‌خستن است. راغب در تعریف اعتزال می‌گوید: «تَجَنَّبَ الشَّيْ عَمَالَةِ كَانَتْ أَوْ بَرَاءَةً أَوْ غَيْرَهُمَا، بِالْبَدَنِ كَانِ ذَلِكَ أَوْ بِالْقَلْبِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۲۳۴). مقصود از اعتزال در پژوهش حاضر، خودداری از مباشرت با زنان در هنگام حیض است.

۲. قرائت: قرائات جمع قرائت و در لغت به معنای خواندن است و در اصطلاح به روش قرائت متمایز اطلاق می‌شود که بر حسب روایات متواتر، یکی از قراء سبعة در شیوه‌ی ادای قرآن اختیار کرده است. قرائات صحیح نزد اهل سنت بر دو قسم‌اند: قرائات متواتر و قرائات مشهور. قرائات متواتر، قرائات موافق زبان عربی و رسم الخط عثمانی است و به طریق متواتر نقل شده است (قلانسی، ۱۴۲۸ هـ، ص ۱۷). قرائات مشهور، قرائات موافق زبان عربی است. حکم این دو قسم از دیدگاه اهل سنت، وجوب اعتقاد به این قرائات و اعتقاد به اینکه این قرائات همان قرآن نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) است (قلانسی، ۱۴۲۸ هـ، ص ۱۷). درباره‌ی قرائت‌های هفت‌گانه چند دیدگاه وجود دارد:

۱. برخی عالمان اهل سنت معتقدند شخص قائل به عدم تواتر قرائت‌های هفت‌گانه، کافر است؛ این دیدگاه منسوب به فرج بن قاسم بن احمد بن ابو سعید ثعلبی غرناطی (۲۰۰ - ۲۸۲ هـ.ق)، مفتی سرزمین اندلس است.

۲. گروهی همه‌ی قرائت‌های هفت‌گانه را مستند به روایات آحاد می‌دانند و هیچ اهمیتی برای آنها قائل نیستند (زرقانی، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۴۹۵).

۳. ابن حاجب تواتر قرائت‌های هفت‌گانه را می‌پذیرد، اما موارد ادا مانند مد، اماله و تخفیف همزه را استثنا می‌کند (زرقانی، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۴۹۸).

۴. عالمان امامیه دیدگاه حجیت قرائت‌ها را مردود و باطل می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۵۵).

۱. بررسی نظریه حجیت قرائت‌ها

۱-۱. حجیت همه قرائت‌های هفت‌گانه

عده‌ای از عالمان اهل سنت، حجیت همه قرائت‌های هفت‌گانه را پذیرفته‌اند و با هریک از این قرائت‌ها به احکام شرعی استدلال می‌کنند؛ چنان‌که با قرائت قاریان کوفه (غیر از حفص)، به حرمت مباشرت با زنی که از حیض پاک شده است و غسل نکرده است، استدلال کرده‌اند که آنها در آیه «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ» (بقره ۲: ۲۲۲)، کلمه «یطهرن» را با تشدید یعنی «یطهرن» خوانده‌اند و معنای آیه بر اساس این قرائت چنین خواهد بود: «با همسرانتان مباشرت نکنید تا غسل کنند و خود را از حیض پاک کنند»؛ ولی حق آن است که قرائت‌های سبعة حجیت ندارند و نمی‌توان در صورت اختلاف قرائات، بر اساس یکی از آنها بر حکمی شرعی استدلال کرد؛ زیرا:

الف) ممکن است قرائت قراء سبعة اشتباه باشد (موسوی خویی، ۱۳۸۲ هـ. ش، ص ۲۱۹).

ب) هیچ دلیل شرعی یا عقلی بر وجوب عمل به گفتار قاریان هفت‌گانه در دست نیست، بلکه از دیدگاه عقل و شرع، پیروی از ظن و غیر علم مردود است و ما را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند. اگر گفته شود این قرائت‌ها هرچند متواتر نیستند، ولی به صورت خبر واحد از پیامبر اکرم (ص) نقل شده‌اند و مشمول ادله حجیت خبر هستند؛ بنابراین، عمل بر طبق این قرائت‌ها، پیروی از دلیل شرعی است و از باب «ورود» یا «حکومت» و «تخصیص» از مقوله عمل به ظن خارج است؛ در پاسخ می‌گوییم روایت بودن قرائت‌ها ثابت نشده است تا مشمول دلایل حجیت خبر واحد باشند؛ زیرا احتمال دارد قرائت‌ها نوعی اجتهاد از سوی قراء سبعة باشد؛ همچنین دلایل حجیت خبر واحد روایت قراء سبعة را دربر می‌گیرد؛ زیرا وثاقت همه آنها ثابت نشده است (موسوی خویی، ۱۳۸۲ هـ. ش، ص ۲۲۱). بر فرض که روایت بودن قرائات را بپذیریم، بر اساس علم اجمالی بخشی از این قرائت‌ها از پیامبر اکرم (ص) صادر نشده است که این امر سبب تعارض روایات است و

اصل اولی در متعارضین، تساقط خواهد بود؛ در نتیجه همه روایات از حجیت ساقط می شوند (ر.ک به: موسوی خویی، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۱۶۴).

۲-۱. نظریه حجیت قرائات

از نظر عالمان امامیه، نظریه حجیت قرائات باطل است و تنها قرائت معصوم (ع) حجیت است. چنان که اشاره شد، محقق خویی معتقد به امکان اشتباه در قرائات قراء سبعه است و دلایل حجیت خبر واحد را شامل آنها نمی داند (موسوی خویی، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۱۹ - ۲۲۱). از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز قرائت های هفت گانه یا ده گانه باطل هستند؛ زیرا قرآن کریمی که اکنون در دست ماست، متواتر و بلکه فوق حد تواتر است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۵۵).

۲. اقوال مفسران و برخی عالمان فریقین درباره تفسیر آیه ۲۲۲ «بقره»

میان مفسران فریقین درباره تفسیر آیه اختلاف است. برخی قائل به لزوم غسل هستند؛ از جمله:

۱. مقاتل بن سلیمان با استناد به روایتی معتقد است فقره «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» به

معنای لزوم غسل برای جواز مباشرت با حائض است (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ ه.ش، ج ۱، ص ۱۹۲).

۲. علی بن ابراهیم قمی نیز با استناد به روایات، معتقد است مباشرت پیش از غسل حائض

جایز نیست (قمی، ۱۳۶۳ ه.ش، ج ۱، ص ۷۳).

۳. طبری بر اساس روایتی از حمید بن مسعدة، معتقد است در هنگام حیض، عدم

مباشرت ضروری است (جریر طبری، ۱۴۱۲ ه.ش، ج ۲، ص ۲۲۵).

۴. عیاشی نیز بر اساس روایتی از امام صادق (ع) معتقد است مباشرت با زوج در هنگام

حیض از فرج جایز نیست (عیاشی، ۱۳۸۰ ه.ش، ج ۱، ص ۱۱۰).

از سوی دیگر صاحب تفسیر القرآن العظیم بر اساس روایتی از عکرمه، مجاهد و حسن بصری، صرف انقطاع دم را مجوز مباشرت با همسر می‌داند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹هـ، ج ۲، ص ۴۰۱) و بر اساس روایتی از ابن عباس معتقد است غسل برای جواز مباشرت لازم است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹هـ، ج ۲، ص ۴۰۲).

در میان قاریان سبعة، حمزة و عاصم و کسائی قرائت تضعیف (تشدید) را برگزیده‌اند که نتیجه آن وجوب غسل برای جواز مباشرت است؛ ولی دیگر قاریان به تخفیف قرائت کرده‌اند که نتیجه آن جواز مباشرت پیش از غسل است. از دیدگاه سمرقندی - صاحب تفسیر بحر العلوم - باید به هر دو روایت عمل شود؛ از این رو، تنها پس از سپری شدن ایام حیض و غسل، مباشرت جایز است (سمرقندی، ۱۴۱۶هـ، ج ۱، ص ۱۴۷).

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند که ظاهر در این است که ایشان قائل به قرائت تخفیف هستند؛ زیرا به فرموده ایشان، صرف شستن فرج پیش از غسل برای مباشرت کافی است. اصل روایت چنین است: «إِذَا أَصَابَ زَوْجَهَا شَبَقٌ، فَلْيَأْمُرْهَا فَلْتَتَّغَسَّلَ فَرْجَهَا، ثُمَّ يَمْسُهَا إِنْ شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ» (کلینی، ۱۴۰۷هـ، ج ۵، ص ۵۳۹).

از نظر مقدس اردبیلی بر اساس آیه ۲۲۲ سوره «بقره»، کناره‌گیری از زنان و ترک مباشرت با آنان به دلیل صیغه امر که حقیقت در وجوب است، واجب است و توصیف حیض به درازیت بودن زنان، مشعر به علیت آن برای این حکم است (مقدس اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۳۲). دلیل این مسئله اصل عدم جواز و استصحاب حرمت مباشرت و برخی روایات و نیز شهرت روایی است. از دیدگاه وی، خودداری از مطلق مباشرت و بلکه مطلق انتفاع و بهره‌وری از زنان در این حالت نیکوست (مقدس اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۳۳). وی باورمند است امر به اجمال پس از غسل در فقره «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ»، به معنای اباحه بالمعنی الاخص جماع است. بر اساس دیدگاه مقدس اردبیلی، اقرب به قواعد، قرائت یطهرن به تخفیف طاء است؛ زیرا امر به کناره‌گیری از زنان، مخصوص ایام حیض یا مکان

حیض است و با وجود خون، محیض صدق می‌کند؛ ولی پس از قطع خون و حصول پاکی، محیض اطلاق نمی‌شود و حرمت هم به دلیل زوال موضوع و علت حرمت مقاربت رفع می‌شود (مقدس اردبیلی، [بی تا]، ص ۳۳).

شهید ثانی معتقد است همهٔ مسلمانان بر حرمت جماع در زمان حیض اتفاق نظر دارند و نیز متفق اند که استمتاع و بهره‌وری از زنان از بالای ناف و پایین زانو جایز است؛ همچنین محل اختلاف نظر، استمتاع از پایین ناف و بالای زانو است. برخی از مفسران و بسیاری از فقیهان امامیه قائل به جواز استمتاع در مورد اخیر هستند؛ زیرا مراد از واژه «محیض»، مکان حیض یعنی فرج است و تنها کناره‌گیری از آن واجب است (عاملی، ۱۴۱۹هـ، ج ۱، ص ۹۲). مؤید این مطلب، لزوم کناره‌گیری و ترک معاشرت با زنان در حال حیض است؛ زیرا مقصود از معاشرت با آنان، مباشرت با آنان است و فقره «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ» تأکید بر کناره‌گیری از زنان در هنگام حیض است (عاملی، ۱۴۱۹هـ، ج ۱، ص ۹۵).

از دیدگاه علامه طباطبایی، واژه «اعتزال» به معنای خودداری از معاشرت است و مقصود از آن، ترک مباشرت از محل خروج خون و نه مطلق تمتع از زنان است (ر.ک به: طباطبایی، ۱۳۷۴هـ، ج ۲، ص ۲۱۱). همچنین واژه طهارت، داری حقیقت شرعی یا دست‌کم حقیقت متشرع است. افزون بر اینکه در اینجا صیغه امر دلالت بر وجوب ندارد؛ زیرا امر در آیه شریفه بعد از نهی واقع شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴هـ، ج ۲، ص ۲۱۱).

در کافی نقل شده است که از امام صادق (ع) پرسیدند زنی که در آخرین روز عادت خون حیضش قطع شده باشد، چه حکمی دارد؟ فرمود: «اگر همسرش دچار طغیان شهوت شود، باید دستورش دهد محل خون را بشوید؛ آن‌گاه اگر خواست، می‌تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند». در روایتی دیگر آمده است که اضافه فرمود: «ولی غسل کردن بهتر است» (کلینی، ۱۴۰۷هـ، ج ۵، ص ۵۳۹). بر اساس این روایات و مانند آن،

قرائت آیه با تخفیف و بدون تشدید تأیید می‌شود، بر خلاف قرائت تشدید که به معنای قبول طهارت است. بنابراین، آیه دلالت بر حرمت جماع قبل از غُسل یا غُسل ندارد؛ چون اگر جماع حرام بود، معنا نداشت غُسل یا غُسل غایت و منتهی الیه نهی بوده باشد (ر.ک به: طباطبایی، ۱۳۷۴ هـ.ش، ج ۲، ص ۲۱۱).

۳. بررسی دیدگاه فقهی امام خمینی (ره) دربارهٔ آیه ۲۲۲ سوره «بقره»

خداوند متعال می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره ۲: ۲۲۲)؛ و از تو درباره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیان بار و آلوده‌ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی از آنان کناره‌گیری کنید و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند. و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید. خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکان را [نیز] دوست دارد». امام خمینی (ره) دربارهٔ این آیه، در ابتدای امر معتقد بود قرائت تخفیف و تضعیف (تشدید) برابر است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۴۵ - ۲۵۹)؛ اما بر اساس تأمل در روایات و دیگر وجوه، در نهایت دیدگاه ایشان تغییر می‌یابد.

۳-۱. تقریب دلالت آیه بنا بر قرائت تخفیف

از دیدگاه امام خمینی (ره)، بدیهی است که صدر آیه بر وجوب کناره‌گیری از زنان حائض در زمان حیض دلالت دارد؛ این مسئله به دلیل اذیت شدن زنان در این دوران است. گویا حق تعالی می‌فرماید: «از آنجاکه حیض سبب اذیت زنان است، از آنان کناره‌گیری کنید و با آنان مباشرت نکنید تا اذیت از آنان رفع شود و از خون حیض پاک شوند». همچنین

کلام الهی «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ» تفریع بر این مطلب است که بر اساس فهم عرفی آن گاه که زنان از حیض پاک شدند، مباشرت با آنان جایز است. بنابراین، حمل بر اغتسال یا وضو یا شستن فرج بر اساس سیاق آیه شریفه و تفریع موجود در آن مردود است؛ همچنین با صدر آیه در علیّت خود حیض برای حرمت مباشرت و وجوب کناره گیری منافات دارد (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ. ش، ج ۱، ص ۲۵۷).

فراز «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» در بردارنده دو شرط برای جواز مباشرت با زن است: ۱. طهر و پاکی از حیض (حَتَّى يَطْهَرْنَ)؛ ۲. غسل حیض (فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ). در فراز اول «حَتَّى» دلالت بر غایت دارد و در فراز دوم جمله شرطیه مصدر به «اذا» است؛ بر این اساس، شرط جواز مباشرت، انجام غسل حیض از سوی زن است؛ زیرا قرائت تشدید (تضعیف)، ظهور در لزوم غسل پیش از مباشرت دارد. از سوی دیگر قرینه سیاق در جایی کارایی دارد که دلیل خاص بر خلاف آن وجود نداشته باشد؛ در حالی که با وجود روایات خاص صحیح و موثق - که در ادامه مقاله بیان خواهد شد - که ظهور در لزوم غسل پیش از مباشرت دارند، عموم آیه مورد استناد امام خمینی (ره) توسط روایات به عنوان دلیل خاص است که تخصیص می خورد و قرائت تشدید (تضعیف) و لزوم غسل برای جواز مباشرت تأیید می شود؛ از این رو، قرائت تضعیف مردود است و مباشرت با همسر پیش از غسل جایز نیست.

بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره)، ظاهر آیه بیان کننده رجحان قرائت تضعیف است؛ زیرا صدر آیه در اذیت به شمار آمدن حیض و علیّت آن برای وجوب کناره گیری از زنان ظهور دارد؛ در نتیجه غایت رفع حرمت مباشرت، رفع شدن عامل اذیت و حیض است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ. ش، ج ۱، ص ۲۵۷). بنابراین، حمل آیه بر وجوب غسل کردن پس از رفع شدن حیض جایز نیست؛ زیرا چنین حملی فاقد قرینه است، بلکه قرینه بر ضد آن است. در حقیقت اینجا امر میان حفظ صدر آیه شریفه و قرین بودن آن برای تعیین یکی از

معانی لفظ مشترک یعنی انقطاع دم حیض از سویی و حمل لفظ مشترک - بدون قرینه و دلیل - بر معنای دوم از سویی دوران دارد که در این میان، حفظ ظهور لازم است. افزون بر آن، از دیدگاه امام خمینی (ره)، قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه باطل هستند؛ زیرا قرآن کریمی که اکنون در دست ماست، متواتر و بلکه فوق حد تواتر است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۵۵). با توجه به ظاهر آیه شریفه و نیز بطلان نظریه حجیت قرائات و با توجه به برخی روایات صادرشده از معصومان (ع) مبنی بر جواز مباشرت پیش از غسل و پس از انقطاع خون حیض، دیدگاه امام خمینی (ره) مبنی بر نظریه تخفیف اثبات‌پذیر است؛ از این رو، قرائت تخفیف اثبات می‌شود و مباشرت پیش از غسل جایز است.

۲-۳. ترجیح قرائت تخفیف و ابطال قرائت‌های ده‌گانه یا هفت‌گانه

از دیدگاه امام خمینی (ره)، ترجیح قرائت تخفیف بر تضعیف بدیهی است؛ زیرا قرآن کریم، متواتر بلکه فوق حد تواتر است؛ چراکه هر طبقه از مسلمانان و غیرمسلمانان که بالغ بر میلیون‌ها نفر هستند، همین قرآن را به همین صورت و ماده از گذشتگان دریافت کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۵۰). ایشان معتقد است قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه، بازی فضاحت بار و قبیح قاریان با قرآن کریم است؛ بر این اساس، تواتر قرائت‌ها هیچ مستند محکمی ندارد. روایات دلالت‌کننده بر تواتر قرائت‌ها نیز ضعیف است و صاحبان عصمت و اهل بیت وحی (ع) آن را تکذیب کرده‌اند و فرموده‌اند: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ» (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۵۰).

از سوی دیگر، قاریان هفت‌گانه بر اساس رجحان‌های ادبیاتی، گرفتار استبداد به رأی شدند و بازار قرائت، به منزله دکان برخی سودجویان در آن روزگاران شده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۵۰). بنابراین، همین قرآن امروزی، متواتر است و قرائت‌ها خرافاتی بیش نیستند.

۳-۳. وجه جمع عقلایی میان قرائت تخفیف و تضعیف

از دیدگاه امام خمینی (ره)، اگر تواتر قرائت‌ها و اتفاق نظر عالمان بر وجوب عمل به هر یک از قرائات را بپذیریم، بین قرائت تخفیف و تضعیف تعارض رخ می‌دهد؛ ولی تأمل در آیه، وجه جمع عقلایی میان این دو قرائت را اقتضا دارد؛ به این ترتیب که «التطهّر» بر پاکی پس از حیض حمل شود؛ زیرا دست برداشتن از ظهور «التطهّر» در عمل اختیاری غسل و حفظ ظهور صدر آیه که بر این مطلب دلالت دارد که حیض از آن جهت که موجب اذیت زن و موضوع حرمت مباشرت و وجوب کناره‌گیری است، آسان‌تر از دست برداشتن از ظهور سیاقی «طهر» در برابر حیض و نیز دست برداشتن ظهور قوی صدر آیه است که اشعار به علیّت یا ظهور در علیّت دارد؛ زیرا از آنجاکه غایت، غسل کردن است، ناگزیر علّت یا موضوع «حدث حیض» است. از این رو، ناگزیر اذیت یا دشواری در آیه شریفه باید بر اذیت تعبّدی و نه اذیت عرفی عقلایی حمل شود؛ در حالی که همه این حمل‌ها خلاف ظاهر و ارتکاب آن بعید است. از سوی دیگر، حمل «التطهّر» بر طاهر شدن زن، با توجه به تناسب حکم و موضوع بعید نیست (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۵۹). بر این اساس، قرائت تخفیف تأیید می‌شود و روایات دالّ بر عدم جواز مباشرت پیش از غسل بر کراهت مباشرت پیش از غسل حمل می‌شوند.

۳-۴. دلالت عموم کتاب و سنّت بر جواز مباشرت پیش از غسل

امام خمینی (ره) معتقد است با چشم‌پوشی از دلالت آیه ۲۲۲ سوره «بقره»، مقتضای عموم یا اطلاق آیات و روایات، جواز مباشرت با زنان در هر زمان است که ایّام حیض از آن خارج شده است و دیگر ایّام تحت عموم یا اطلاق باقی مانده است؛ همچنین استصحاب حکم مخصّص (استصحاب حکم حرمت که مختص ایّام حیض است پس از اتمام ایّام حیض) درست نیست، به‌ویژه آن‌گاه که بپذیریم کلام الهی «فَأْتُوا

حَرَّتْكُمْ أَنْتُمْ» (بقره ۲: ۲۲۳) به معنای هر زمان که خواستید است. ولی اشکال در اصل جریان استصحاب با این مدعا که «حرمت مباشرت منوط به ایام حیض یا حائض است و این ملاک بعد از پاکی از حیض مرتفع شده است» درست نیست؛ زیرا موضوع وجوب کناره‌گیری و حرمت مباشرت، زنان به دلیل حیض هستند و در صورت شک در اینکه علت واسطه در ثبوت و تحقق حکم است یا واسطه در عروض حکم، هیچ اشکالی در جریان استصحاب وجود ندارد؛ همچنین ادعای دلالت آیه بر ازبین‌رفتن حرمت مباشرت هنگام انقطاع حیض، از محل بحث خارج است و مشمول حکم تمسک به اصل عملی استصحاب هنگام فقدان دلیل اجتهادی است. از سوی دیگر، اگر فرض شود حکم به عنوان حائض پس از انطباق بر عنوان خارجی تعلّق گرفته است، زن حائض موضوع حکم حرمت مباشرت است و پس از رفع صفت حائض بودن، موضوع استصحاب باقی است؛ هرچند موضوع دلیل باقی نباشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۴۹).

با وجود روایت‌های خاص صحیح و موثق که ظهور در لزوم غسل پیش از مباشرت دارند و در بخش‌های بعدی مقاله خواهند آمد، عموم کتاب و سنت و از جمله آیه مورد استناد امام خمینی (ره) تخصیص می‌خورد و قابل استناد نیست؛ از این رو، قرائت تشدید (تضعیف) تأیید می‌شود. بنابراین، مباشرت پیش از غسل جایز نیست.

۳-۵. دلالت اخبار خاص بر جواز مباشرت یا عدم جواز مباشرت پیش از غسل

از دیدگاه امام خمینی (ره)، با توجه به روایات خاص، حکم فقهی مسئله روشن است؛ زیرا روایات «ابن بکیر»، «ابن یقطین» و «ابن مغیره» بر جواز مباشرت پیش از غسل تصریح دارند. در روایت موثق ابن بکیر از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «زمانی که خون قطع می‌شود و هنوز زن غسل نکرده است، زوج اگر بخواهد، می‌تواند با

زن مباشرت نماید»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۲۵). ابن یقطین در روایتی موثقه از امام کاظم (ع) نقل می‌کند که از حائضی پرسیده شد که پاک شده است، آیا شوهرش می‌تواند پیش از غسل با وی مباشرت کند؟ حضرت فرمود: «[مباشرت پیش از غسل و بعد از انقطاع خون حیض] اشکالی ندارد؛ ولی [مباشرت] پس از غسل نزد من محبوب‌تر است»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۲۵). ابن مغیره در روایتی مرسله از امام کاظم (ع) نقل می‌کند که فرمود: «وقتی زن از حیض پاک می‌شود، ولی هنوز غسل نکرده است، شوهرش با وی مباشرت نکند تا غسل نماید؛ ولی اگر شوهر مباشرت کرد، اشکال ندارد»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۲۵).

از دیدگاه امام خمینی (ره)، طایفه دوم روایات خاص که بر عدم جواز مباشرت پیش از غسل دلالت دارد، یارای تعارض و مقابله با روایات طایفه اول مبنی بر جواز غسل را ندارد. برخی از این روایات چنین هستند:

۱. روایت ابی بصیر: از امام صادق (ع) درباره زنی پرسیده شد که در سفر حیض شود؛ به گونه‌ای که پاک شود، ولی تا یک یا دو روز آبی نیابد، آیا شوهرش می‌تواند پیش از غسل با وی مباشرت کند؟ حضرت فرمود: «صلاح نیست مباشرت کند تا زمانی که غسل نماید» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۲۶).

۲. روایت سعید بن یسار: از امام صادق (ع) درباره زنی پرسیده شد که نماز بروی به دلیل حیض حرام است و سپس پاک می‌شود و وضو می‌گیرد بدون آنکه غسل کند؛ آیا همسرش می‌تواند پیش از غسل با وی مباشرت کند؟ حضرت فرمود: «خیر، تا زمانی که غسل کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۲۶).

۳. صحیحہ ابی عبیدة: از امام صادق (ع) پرسیده شد آیا مرد می‌تواند در حالت طهر و پاکی با همسرش مباشرت کند؟ حضرت فرمود: «بله، وقتی آلت تناسلی خود را بشوید و تیمم کند، اشکال ندارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۲۶).

۴. موثقهٔ عبدالرحمن بن ابی عبدالله: از امام صادق (ع) دربارهٔ زنی پرسیده شد که حیض شده است و سپس در سفر پاک می‌شود و تا دو یا سه روز آبی نمی‌یابد، آیا شوهرش می‌تواند با او مباشرت کند؟ حضرت فرمود: «حَتَّى تَغْتَسِلَ؛ صلاح نیست برای شوهرش که پیش از غسل با وی مباشرت کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ، ج ۲، ص ۳۱۳).

گروه اول [روایات جواز مباشرت پیش از غسل] از روایات مورد استناد امام خمینی (ره)، برخی مرسله و برخی موثقه هستند. به روایت مرسله ابن مغیره به دلیل ارسال و ضعف سندی نمی‌توان استناد کرد. از سوی دیگر موثقه ابن یقطين از امام کاظم (ع) از لحاظ سندی مقبول است و بر جواز مباشرت پیش از غسل و استحباب غسل پیش از مباشرت دلالت دارد؛ همچنین روایات این گروه با ظاهر آیه ۲۲۲ سوره «بقره» سازگار است؛ ولی روایات دسته دوم هرچند به دلیل کثرت و توافق در مضمون و محتوا، دارای تواتر اجمالی هستند، با ظاهر آیه ناسازگارند. در این میان صحیحه ابی عبیده و موثقه عبدالرحمن بن ابی عبدالله که به لحاظ سندی بدون اشکال هستند، ظهور در لزوم غسل پیش از مباشرت دارند؛ ولی با توجه به لزوم اتباع از ظاهر آیه و دلالت برخی روایات صادرشده از معصومان (ع) که مفسر و مبین حقیقی معنای آیات الهی هستند، روایات عدم جواز مباشرت پیش از غسل بر کراهت حمل می‌گردد و روایات دال بر جواز مباشرت پیش از غسل و پس از انقطاع خون حیض اثبات می‌گردد. بنابراین، قرائت تخفیف تأیید می‌شود.

۳-۶. جواز مباشرت قبل از شستن فرج

امام خمینی (ره) باورمند است ظاهر صحیحهُ محمد بن مسلم، وجوب شستشوی آلت تناسلی زن به عنوان شرط جواز مباشرت است؛ چنان‌که ظاهر نظر بیشتر فقها و صریح نظر سیدابوالمکارم ابن زهره در کتاب غنیة النزوع چنین است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸هـ.ش، ج ۱، ص ۲۴۶). اما محقق طبرسی در مجمع البیان و تبیان و نیز راوندی در کتاب احکام،

جواز مباشرت را متوقف بر یکی از دو امر زیر می‌دانند: شستشوی آلت تناسلی زن یا وضوگرفتن وی؛ درحالی‌که از نظر امام خمینی (ره)، دلیل وضو روشن نیست و برخی فقیهان مانند ابن‌ادریس حلّی و محقق حلّی در کتاب معتبر و نیز شهید اول قائل به استحباب وضو هستند. همین نظریه از دیدگاه امام خمینی (ره) قوی‌تر است؛ زیرا آیه شریفه ظهوری قوی در دخالت نداشتن چیزی به جز برطرف شدن حیض و حصول پاکی از آن برای جواز مباشرت ندارد؛ چون پاکی از حیض، غایت حرمت مباشرت با زنان قرار داده شده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۴۵).

از سوی دیگر، عموم و اطلاق آیه حرث (کشتزار بودن زنان) و نیز اطلاق روایاتی که شستن آلت تناسلی زن را مقارن با تیمّم بیان کرده‌اند - مانند صحیحۀ ابی عبیدۀ -، دلالت دارند که در صورت عدم شستشوی آلت تناسلی و عدم تیمّم، مباشرت مکروه است (موسوی خمینی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۱، ص ۷۸).

با توجه به روایات خاص صحیحۀ و موثقه که ظهور در لزوم غسل پیش از مباشرت دارند، قرائت تشدید (تضعیف) تأیید می‌شود؛ از این رو، استدلال امام خمینی (ره) و برخی فقیهان و مفسران برای اثبات جواز مباشرت قبل از شستن فرج، ناتمام است.

چنان‌که پیش از این اشاره شد، نظریه تواتر قرائات و نیز نظریه حجیت قرائات مردود و باطل است؛ از سوی دیگر، ظاهر آیه نیز بیان‌کننده رجحان قرائت تخفیف است؛ زیرا صدر آیه در اذیت به شمار آمدن حیض و علیّت آن برای وجوب کناره‌گیری از زنان ظهور دارد؛ در نتیجه غایت رفع حرمت مباشرت، رفع شدن عامل اذیت و حیض است. بنابراین، حمل آیه بر وجوب غسل کردن پس از رفع شدن حیض جایز نیست؛ زیرا چنین حملی بدون قرینه است، بلکه قرینه بر ضدّ آن است. در حقیقت اینجا امر میان حفظ صدر آیه شریفه و قرین بودن آن به تعین یکی از معانی لفظ مشترک یعنی انقطاع دم حیض از سویی و حمل لفظ مشترک - بدون قرینه و دلیل - بر معنای دوم از سوی دیگر دوران دارد که در این میان، حفظ ظهور لازم است. همچنین مطابق برخی روایات صادر شده از اهل بیت (ع) قرائت

تخفیف و جواز مباشرت پیش از غسل اثبات می‌گردد؛ بر این اساس، جواز مباشرت پس از انقطاع خون حیض و قبل از غسل اثبات می‌گردد و روایات دالّ بر عدم جواز مباشرت پیش از غسل بر کراهت حمل می‌گردد.

۴. احکام حقوقی مستفاد از آیه کریمه

احکام حقوقی که از آیه کریمه ۲۲۲ سوره «بقره» به دست می‌آید، به این ترتیب است:

۴-۱. عدم جواز طلاق در مدّت عادت زنانگی

یکی از شرایط صحّت طلاق، حیض نبودن همسر است. بر اساس مادّه ۱۱۴۰ قانون مدنی: «طلاق دادن همسر در ایّام عادت یا در حال نفاس نادرست است، مگر آنکه همسر باردار باشد یا آنکه طلاق دادن وی، پیش از مقاربت با وی محقق گردد؛ به گونه‌ای که شوهر نتواند از ایّام عادت همسر مطلع شود، حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب باشد، به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند». از این رو، بر مبنای پذیرش قرائت تضعیف (تشدید) در آیه شریفه، با قطع شدن خون حیض و غسل نکردن وی، همچنان همسر حائض است و طلاق دادن وی صحیح نیست. مفهوم مادّه ۱۱۴۰ قانون مدنی آن است که اگر با همسر نزدیکی و مقاربت انجام گرفته باشد و همسر باردار نباشد و شوهر وی نزدش حاضر باشد، طلاق انجام شده در حالت حیض یا نفاس باطل است؛ ولی در صورت اختلال یکی از این شروط، طلاق صحیح است (ر.ک به: محقق داماد، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۴۱۱). از دیدگاه شیخ طوسی برای صحّت طلاق، از مدّت عدم حضور و غیبت شوهر باید دست کم یک ماه گذشته باشد (طوسی، ۱۴۳۷ ه.ش، ص ۵۱۲)؛ ولی بیشتر فقیهان، مدّت زمان خاصی را بیان نکرده‌اند و ملاک صحت طلاق را امکان اطلاع از ایّام عادت یا نفاس همسر دانسته‌اند که در این حالت، انجام طلاق بدون رعایت این ایّام باطل است؛ همچنین زوج حاضر که نتواند از عادت یا نفاس همسر آگاه

شود، در حکم زوج غایب است (ر.ک به: مکی عاملی، ۱۴۱۱هـ، ج ۲، ص ۱۲۹). ولی طبق قرائت تخفیف که مطابق ظاهر آیه ۲۲۲ سوره «بقره» و نیز مطابق برخی روایات صادر شده از اهل بیت (ع) و نظریه مختار امام خمینی (ره) است، جواز طلاق همسر پس از انقطاع خون حیض و پیش از غسل اثبات می‌گردد.

۴-۲. عدم صحت طلاق در طهر غیرموقعه (عدم مقاربت زوج با همسر پس از پاک شدن زن تا هنگام طلاق)

بر اساس ماده ۱۱۴۱ قانون مدنی، طلاق دادن همسر در طهر موقعه یعنی در صورت مقاربت زوج با همسر پس از پاک شدن زن تا هنگام طلاق صحیح نیست، مگر اینکه زن یائسه یا باردار باشد. این شرط دربارهٔ زوجه‌ای است که نه باردار و نه یائسه است (ر.ک به: نجفی، ۱۳۶۸هـ.ش، ج ۳۲، ص ۲۹) و مستند آن روایاتی است که به صراحت دلالت بر این امر دارد؛ از جمله:

۱. بکیر بن اعین از امام باقر (ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «الطَّلَاقُ أَنْ يُطَلِّقَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ: طلاق آن است که مرد زنش را در طهری طلاق دهد که در آن نزدیکی نکرده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ، ج ۲۲، ص ۳۰).

۲. اسماعیل بن جابر از امام باقر (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «پنج دسته زنان را در هر حال می‌توان طلاق داد؛ زن حامله‌ای که حمل او روشن شده است؛ زن غیرمدخوله؛ زنی که شوهرش از وی غایب است؛ زنی که هنوز حیض نشده است (نابالغ) و زن یائسه» (کلینی، ۱۴۰۷هـ، ج ۶، ص ۱۰۲).

با در نظر گرفتن مضامین دو دسته روایات پیش گفته، به خوبی فتوای مورد نظر به دست می‌آید. زنی که عادتش بر این است که در فاصله بیش از سه ماه حیض می‌بیند، در حکم مستترابه (زنی که به سن حیض شدن رسیده است، ولی به دلیل کسالت یا امر دیگر حیض نمی‌شود) نیست، بلکه از زنان «ذات العاده» به شمار می‌آید که باید بدون توجه به

این فاصله‌های طولانی، پس از حیض شدن و پاک شدن از حیض بدون انجام مقاربت، طلاق انجام گیرد (عاملی، ۱۴۱۹ هـ، ج ۲، ص ۵). این دیدگاه فقهی مبتنی بر پذیرش قرائت تخفیف است که مطابق ظاهر آیه ۲۲۲ سوره «بقره» و نیز مطابق برخی روایات صادرشده از اهل بیت (ع) است که بر اساس آنکه نظریه مختار امام خمینی (ره) نیز است، جواز طلاق همسر پس از انقطاع خون حیض و پیش از غسل اثبات می‌گردد.

نتیجه

دربارهٔ دلالت آیه شریفه ۲۲۲ سوره مبارکه «بقره» میان مفسران و قراء سبعة اختلاف وجود دارد؛ برخی کلمه «یطهرن» را به تخفیف و برخی به تضعیف (تشدید) قرائت کرده‌اند که بر این اساس نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. امام خمینی (ره) در ابتدای نظر، قرائت تخفیف و تضعیف (تشدید) را مساوی می‌دانستند؛ اما اگر تواتر قرائات و اتفاق نظر عالمان بر وجوب عمل به هریک از قرائات را بپذیریم، میان قرائت تخفیف و تضعیف تعارض رخ می‌دهد؛ ولی تأمل در آیه، جمع عقلایی میان این دو قرائت را اقتضا دارد که بر اساس اصل بداهت، قرائت تخفیف بر تضعیف (تشدید) برتری دارد.

۲. صدر آیه ۲۲۲ سوره «بقره» بر این مطلب دلالت دارد که حیض از آنجاکه موجب اذیت زن است، موضوع حرمت مباشرت و وجوب کناره‌گیری است؛ همچنین بر اساس ظاهر آیه و روایات صحیح، جواز مباشرت با همسر پیش از غسل و بعد از انقطاع خون حیض اثبات می‌شود. برای جمع میان دو طایفه روایات، جواز مباشرت پیش از غسل و روایات عدم جواز مباشرت پیش از غسل لازم است. روایت عدم جواز مباشرت قبل از غسل به دلیل مغایرت با ظاهر آیه و برخی روایات صادرشده از معصومان (ع) بر کراهت حمل‌گردد؛ از این رو، قرائت تخفیف تأیید و مطابق آن جواز مباشرت پیش از غسل اثبات می‌شود.

۳. از جمله احکام حقوقی مستفاد از آیه ۲۲۲ سوره «بقره»، جایز نبودن طلاق در مدت عادت زنانگی و صحت نداشتن طلاق در طهر غیرموقعه است که بر اساس قرائت تخفیف، جواز طلاق پس از انقطاع خون حیض و پیش از غسل اثبات می شود.
۴. نوآوری مقاله حاضر، در تحلیل و بررسی دو قرائت مختلف درباره آیه ۲۲۲ سوره «بقره» با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) و نیز اثبات برتری قرائت تخفیف بر اساس ادله روایی و مبتنی بر جمع عقلایی میان دو طایفه مختلف از روایات است؛ همچنین تبیین احکام حقوقی مستفاد از آیه پیش گفته از دیگر نوآوری های مقاله است.

پی نوشت

۱. «إِذَا انْقَطَعَ الدَّمُ وَلَمْ تَغْتَسِلْ فَلْيَأْتِهَا زَوْجُهَا إِنْ شَاءَ».
۲. «لَا بَأْسَ وَالْعُغْلُ أَحَبُّ إِلَيَّ».
۳. «إِذَا طَهَّرْتَ مِنَ الْحَيْضِ وَلَمْ تَمْسِ الْمَاءَ، فَلَا يَقَعُ عَلَيْهَا زَوْجُهَا حَتَّى تَغْتَسِلَ، وَإِنْ فَعَلَ فَلَا بَأْسَ بِهِ».

کتاب نامه

قرآن کریم.

- ابن سلیمان، مقاتل. (۱۴۲۳ هـ). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دارالمعرفة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ هـ). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالمعرفة.
- جریر طبری، محمد. (۱۴۱۲ هـ). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ هـ). وسائل الشیعة فی تفصیل مسائل الشریعة. قم: آل البيت لاحیاء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ هـ). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم و دارالشامیه.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۳۸۵ هـ.ش). ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ هـ). تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم. بیروت: دار الفکر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ هـ.ش). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۳۷ هـ). النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی. قم: اسلامی.
- عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۹ هـ). مسالك الأفهام الى آیات الأحكام. تهران: مكتبة المرتضوية.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ هـ). التفسیر (تفسیر العیاشی). تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
- قلانسی، محمد بن حسین. (۱۴۲۸ هـ). ارشاد المبتدی و تذکرة المنتهى فی القراءات العشر. بیروت: دار الکتب العلمية، منشورات محمد علي بیضون.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ هـ.ش). تفسیر القمی. قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ هـ). الکافی. تهران: المكتبة الاسلامية.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۰ هـ.ش). بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. [بی تا]. زبدة البیان فی أحكام القرآن. تهران: مكتبة المرتضوية.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین. (۱۴۱۱ هـ). اللمعة الدمشقية. قم: دار الفکر.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۸ هـ.ش). کتاب الطهارة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خویی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲ هـ.ش). بیان در علوم و مسائل کلی قرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۸ هـ.ش). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: المكتبة الاسلامية.

References

The Noble Quran.

‘Āmilī, Zayn al-Dīn b. ‘Alī al-. 1419 AH. *Masālik al-afhām ilā āyāt al-aḥkām*. Tehran: Maktabat al-Murtaḍawīyya.

‘Ayyāshī, Muḥammad b. Mas‘ūd al-. 1380 AH. *Al-Taḥfīsīr (Taḥfīsīr al-‘Ayyāshī)*. Tehran: Maktabat al-‘Ilmiyya al-Islāmiyya.

Ḥurr ‘Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1409 AH. *Wasā’il al-Shī’a fī taḥfīsīl masā’il al-sharī’a*. Qom: Āl al-Bayt li-Iḥyā’ al-Turāth.

Ibn Kathīr, Ismā’il b. ‘Umar. 1419 AH. *Taḥfīsīr al-Qur’ān al-‘aẓīm*. Beirut: Dār al-Ma’rifā.

- Ibn Sulaymān, Maqātil. 1423 AH. *Tafsīr Maqātil ibn Sulaymān*. Beirut: Dār al-Maʿrifā.
- Kulaynī, Muḥammad b. Yaʿqūb al-. 1401 AH. *Al-Kāfī*. Tehran: al-Maktabat al-Islāmiyya.
- Makkī al-ʿĀmilī, Muḥammad b. Jamāl al-Dīn al-. 1411 AH. *Al-Lumaʿat al-Dimashqiyya*. Qom: Dār al-Fikr.
- Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa. 1390 Sh. *Barrisi-yi fiqhī-yi huquq-i khānavādih: Nikāh wa inḥilāl*. Tehran: Markaz-i Nashr-i ʿUlūm-i Islāmī.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah. 1398 Sh. *Kitāb al-ṭahāra*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Muqaddas al-Ardabīlī, Aḥmad b. Muḥammad. n.d. *Zubdat al-bayān fī aḥkām al-Qurʾān*. Tehran: Maktabat al-Murtaḍawiyya.
- Musawi Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1382 Sh. *Bayān dar ʿulūm wa masāʾil-i kullī-yi Qurʾān*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1368 Sh. *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharāʾiʿ al-islām*. Tehran: al-Maktabat al-Islāmiyya.
- Qalānāsī, Muḥammad b. Ḥusayn al-. 1428 AH. *Irshād al-mubtadī wa-tadhkirat al-muntahī fī al-qirāʾāt al-ʿashr*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya, Manshūrāt Muḥammad ʿAlī Bayḍūn.
- Qummī, ʿAlī b. Ibrāhīm al-. 1363 Sh. *Tafsīr al-Qummī*. Qom: Dār al-Kitāb.
- Rāghib al-Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1412 H. *Mufradāt al-fāz al-Qurʾān*. Beirut: Dār al-Qalam wa-Dār al-Shāmiyya.
- Samarqandī, Naṣr b. Muḥammad al-. 1416 AH. *Tafsīr al-Samarqandī al-musammā Baḥr al-ʿulūm*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ṭabarī, Muḥammad Jarīr al-. 1412 AH. *Jāmiʿ al-bayān fī tafsīr al-Qurʾān*. Beirut: Dār al-Maʿrifā.
- Ṭabāṭabāʾī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1374 Sh. *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qurʾān*. Qom: Islāmī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1437 AH. *Al-Nihāya fī mujarrad al-fiqh wa al-fatwā*. Qom: Islāmī.
- Zarqānī, Muḥammad ʿAbd al-ʿAzīm al-. 1385 Sh. *Tarjuma Manāhil al-ʿIrḥān fī ʿulūm al-Qurʾān*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.